



Women and Comprehensive Defense in Imami Jurisprudence: A Jurisprudential Analysis of Participation in Defensive Jihad

Khadijeh Hamed

M.A. in Women's Rights in Islam; Ph.D. Candidate in Law; Level 4
Researcher in Family Jurisprudence, Tehran, Iran.
Email: kh90.hamed@gmail.com

Abstract

In Islamic jurisprudence, jihad has been discussed not only in relation to military action but also in connection with the protection of the Muslim community and its religious existence. Although some classical Imami juristic discussions have associated the military dimension of jihad primarily with men, the scope of women's participation in defensive action requires further examination. Using a descriptive-analytical approach, this study analyzes Qur'anic verses, hadith reports, the conduct and precedents attributed to the Infallible Imams, and relevant Imami jurisprudential texts concerning women's participation in comprehensive defense. The study argues that women cannot be categorically excluded from the underlying obligation of defense when defensive jihad is understood as the protection of the Muslim community. It further contends that, under specific conditions of legally defined necessity, women's participation in certain forms of defensive action may become religiously obligatory. The findings suggest that comprehensive defense should be understood as encompassing more than direct military engagement and should recognize the potential contribution of women in military, social, logistical, and support-related roles. This approach offers a more complete account of women's place in Imami defensive jurisprudence and its relevance to contemporary security challenges.

Keywords: Defensive jihad; women's participation; comprehensive defense; Imami jurisprudence; Islamic legal theory; religious obligation



مشاركة المرأة في الجهاد الدفاعي في إطار الدفاع الشامل: دراسة فقهية في الفقه الإمامي

خديجة حامدي

حاصلة على درجة الماجستير في حقوق المرأة في الإسلام، وطالبة دكتوراه في الحقوق، وباحثة في المستوى الرابع في تخصص فقه الأسرة، طهران، إيران

kh90.hamedi@gmail.com

الملخص

في الفقه الإسلامي، لا يُبحث الجهاد بوصفه مرتبطاً بالفعل العسكري فحسب، بل بوصفه متصلاً أيضاً بحماية الجماعة المسلمة وصون وجودها الديني. ومع أنّ بعض المناقشات الفقهية الإمامية الكلاسيكية قد ربطت البعد القتالي للجهاد بالرجال في المقام الأول، فإن نطاق مشاركة المرأة في الفعل الدفاعي ما يزال بحاجة إلى مزيد من الدراسة والتحليل. وتعتمد هذه الدراسة المنهج الوصفي - التحليلي، فتتناول الآيات القرآنية، والروايات الحديثية، والسيرة والسوابق المنقولة عن النبي والأئمة المعصومين، إلى جانب النصوص الفقهية الإمامية ذات الصلة بمشاركة المرأة في الدفاع الشامل. وتذهب الدراسة إلى أنّ المرأة لا يمكن استبعادها استبعاداً مطلقاً من أصل التكليف بالدفاع متى فهم الجهاد الدفاعي على أنّه حماية للجماعة المسلمة وصيانة لوجودها الديني. كما ترى أنّ مشاركة المرأة في بعض صور العمل الدفاعي قد تكتسب، في ظروف خاصة من الضرورة المنضبطة فقهياً، صفة الوجوب الشرعي. وتشير النتائج إلى أنّ مفهوم الدفاع الشامل لا ينبغي حصره في الاشتباك العسكري المباشر، بل ينبغي أن يستوعب إمكان إسهام المرأة في الأدوار العسكرية والاجتماعية واللوجستية والداعمة. ومن ثمّ، يقدّم هذا التصور فهماً أكثر اكتمالاً لموقع المرأة في فقه الجهاد الدفاعي الإمامي وصلته بالتحديات الأمنية المعاصرة.

الكلمات المفتاحية: الجهاد الدفاعي؛ مشاركة المرأة؛ الدفاع الشامل؛ الفقه الإمامي؛ النظرية الفقهية الإسلامية؛ الوجوب الشرعي

از حاشیه‌نشینی تا متن جهاد؛ تحلیل فقهی مشارکت زنان در دفاع همه‌جانبه

خدیجه حامدی

کارشناسی ارشد حقوق زن در اسلام، دانشجوی مقطع دکتری حقوق و دانش پژوه مقطع سطح ۴، رشته فقه خانواده، تهران، ایران

kh90.hamed@gmail.com

چکیده

جهاد به مثابه یکی از ارکان رکنی شریعت، فراتر از یک وظیفه نظامی، راهبردی برای حفظ استقلال و امنیت هویتی امت اسلامی است. علیرغم مشهورات فقهی که جهاد را در ابتدای امر به مردان اختصاص داده‌اند، واکاوی تحلیلی ادله قرآنی و روایی در پرتو مقتضیات زمان، نشان‌دهنده یک تحول در مفهوم‌شناسی دفاع است. این مقاله با روش تحلیلی توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به این نتیجه رسیده است که جهاد دفاعی به دلیل تکیه بر اصل حفظ بیضه اسلام، موضوعی فاقد قید جنسیتی است. این پژوهش نشان می‌دهد که سیره معصومین علیهم‌السلام و اطلاق ادله عمومی دفاع، حضور زنان در عرصه‌های ایثار و شهادت را نه تنها مجاز، بلکه در شرایط اضطرار به یک تکلیف الهی تبدیل کرده است. براساس این تحلیل، «دفاع همه‌جانبه» بدون مشارکت فعال و هدفمند زنان، تصویری ناقص از فقه دفاعی ارائه می‌دهد و نمی‌تواند پاسخگوی تهدیدات ترکیبی دوران معاصر باشد.

کلیدواژگان: جهاد دفاعی، زنان، ایثار، شهادت، فقه امامیه، دفاع همه‌جانبه، امنیت ملی.

۱. مقدمه: چیستی و چرایی بازخوانی فقهی دفاع

امنیت به عنوان زیربنای تحقق اهداف عالیه یک ملت و بستر حیات طیبه، در نظام فقهی اسلام جایگاهی راهبردی دارد. امنیت تنها یک مفهوم سیاسی یا نظامی نیست، بلکه شرط لازم برای اجرای گستره وسیعی از احکام فردی و اجتماعی است. تاریخ بشر همواره شاهد تقابل میان جریان‌های عدالت‌خواه و جبهه‌های استکباری بوده است (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، ص ۴). در ادبیات فقه سیاسی اسلام، جهاد ابزاری برای صیانت از هویت و دفع تجاوز است. فقه‌های پیشین همواره تأکید داشته‌اند که بدون اقتدار دفاعی، کیان مسلمین در معرض زوال است.

با تغییر ماهیت جنگ‌ها از نبردهای کلاسیک سخت‌افزاری به جنگ‌های پیچیده و ترکیبی (ادراکی و نرم)، بایسته‌های دفاع نیز دچار تحول ساختاری شده است. امروزه «جنگ ادراکی» به معنای تسخیر ذهن‌ها و تغییر باورها، مقدم بر جنگ‌های فیزیکی است. مسئله اصلی این است که آیا در نظام دفاعی اسلام، برای مشارکت زن، سقف شرعی وجود دارد یا خیر؟ برخی رویکردها با استناد به ظاهربری نصوص، جهاد را اختصاص به مردان داده‌اند. اما پرسش اصلی این است که آیا این اختصاص، یک قاعده کلی و ابدی است یا محدود به شرایط خاص تاریخی؟ ما در این پژوهش با اتخاذ رویکرد «فقه نظام»، معتقدیم که ادله‌ی دفاع، نه تنها زنان را مستثنی نمی‌کند، بلکه با توجه به مفهوم «دفاع همه‌جانبه»،

مشارکت فعال زنان را در عرصه‌های ایثار و شهادت، امری لازم می‌داند. در این مقاله، ضمن بازخوانی ادله، نشان می‌دهیم که جهاد در شرایط دفاعی، یک وظیفه همگانی است.

۲. مفهوم‌شناسی و مبانی فقهی جهاد و دفاع

واژه جهاد، مشتق از جهد یا جهد به معنای به کارگیری حداکثر توان برای رفع مشقت و مقابله با دشمن است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۱۶۶). در فقه امامیه، جهاد دارای مراحل شش‌گانه است که فرآیند تکاملی حکم را نشان می‌دهد. فقهای بزرگ ما مانند شیخ طوسی بر این باورند که جهاد، غایتی جز اعتلای کلمه حق و صیانت از حریم مسلمین ندارد (طوسی، بی‌تا، ص ۲۴۰). در فقه امامیه، میان «جهاد ابتدایی» و «جهاد دفاعی» تفاوت ماهوی وجود دارد. جهاد ابتدایی، آن نوع از جنگ است که برای گسترش دعوت اسلامی یا رفع موانع کفر انجام می‌شود و نیازمند اذن امام معصوم یا نایب خاص اوست. اما جهاد دفاعی به دلیل اضطرار و لزوم حفظ کیان اسلام، فاقد چنین قیدی است (خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۸۶). صاحب جواهر با قاطعیت تأکید می‌کند که وجوب جهاد دفاعی از ضروریات دین است و هیچ فقیهی در آن تردید نکرده است (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، ص ۸). نکته کلیدی در اینجا «موضوع‌شناسی» است. موضوع در جهاد دفاعی، «حفظ بیضه اسلام» است. بیضه اسلام به معنای اصل و اساس هویت جامعه اسلامی است که اگر مورد حمله قرار گیرد،



هیچ قید و شرطی در وجوب دفاع از آن معنا ندارد. در این وضعیت، زن یا مرد بودن موضوعیت ندارد و هر فردی که قدرت دفاع دارد، باید به میدان بیاید. این اصل، ریشه در سیره معصومین علیهم‌السلام دارد که در لحظات بحرانی، زنان را نیز برای پشتیبانی و حتی دفاع مستقیم بسیج می‌کردند.

۳. تحلیل و بررسی فقهی مشارکت زنان در عرصه‌های ایثار

در متون فقهی کلاسیک، دیدگاه مشهور، عدم وجوب جهاد بر زنان است. فقهایی همچون محقق کرکی (۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۶۸) و شهید اول (۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۸۲) تصریح کرده‌اند که جهاد، به عنوان یک تکلیف ابتدایی، بر عهده مردان است و زنان از این تکلیف معاف‌اند؛ هرچند در برخی مواضع، مشارکت داوطلبانه آنان را منع نکرده‌اند. مستند اصلی این نظر، روایت منقول از امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که جهاد زن را صبر بر اذیت‌های شوهر معرفی می‌کند (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱، باب ۴). این تصویر، در نگاه نخست، نوعی «تقسیم جنسیت محور تکالیف» را القا می‌کند؛ به این معنا که جهاد مسلحانه و میدانی، قلمرو تکلیف مردان و صبر و تحمل در خانواده، قلمرو جهاد زنان است. اما اگر این روایت و نظائر آن را در منظومه کلی ادله شرعی و سیره معصومین علیهم‌السلام قرار دهیم، تصویر دقیق‌تری به دست می‌آید. تحلیل فقهی این مسئله، دست کم سه لایه دارد:

۳-۱- نقد سندی: جایگاه روایت در علم رجال

الف) از منظر علم رجال، روایتی که مستند اصلی فقه‌های مشهور در تحدید جهاد زنان است، با چالش‌های جدی سندی روبه‌روست. حضور حسین بن علوان در سلسله سند، مهم‌ترین حلقه‌ای است که بر اعتبار روایت سایه می‌افکند. مامقانی در «تنقیح المقال» به صراحت، در مورد حسین بن علوان تشکیک کرده و گزارش‌های متعددی را درباره ضعف وثاقت او نقل کرده است (مامقانی، ۱۳۴۹، ج ۱). براین اساس، اتکای کامل به روایتی با چنین سندی برای تاسیس یک حکم کلان اجتماعی - آن هم در بابی به حساسیت جهاد - با منهج اصولی پذیرفته شده سازگار نیست. فقه‌های اصولی، در موارد بسیار کم اهمیت‌تر نیز، نسبت به ضعف سندی، هشدار داده‌اند؛ چه رسد به مواردی که به تعیین حدود وظایف جنسیت‌ها در حوزه‌ای چون جهاد مرتبط است.

ب) از منظر منهج اجتهادی، در مواردی که با «ضرورت دین» یا «اصول قطعی شریعت» مرتبط است، نمی‌توان به خبر واحد ضعیف، حکم تحدیدکننده نسبت داد؛ به‌ویژه وقتی که این خبر، با عمومات قرآنی و سیره عملی معصومین علیهم‌السلام در تعارض ظاهری قرار می‌گیرد. از این رو، روایت مورد بحث، حداکثر قابلیت دارد که در مقام بیان یک حکم ارشادی یا توصیفی در مورد فضیلت صبر زنان، مورد استفاده قرار گیرد، نه اینکه مبنای یک ممنوعیت دائمی نسبت به مشارکت زنان در دفاع قرار گیرد.



۲-۳- نقد محتوایی: تفکیک میان «عذر نوعی» و «حکم نوعی»

ب) از منظر تحلیل محتوایی، استناد به «ضعف جسمانی زنان» به عنوان علت عدم وجوب جهاد، خود نیازمند تفکیک میان «عذر نوعی» و «حکم نوعی» است. اگر گفته شود که جهاد بر زنان واجب نیست، به این دلیل که غالباً از توان جسمانی کمتری نسبت به مردان برخوردارند، این تعلیل، به دسته‌ای از مردان - مانند پیران فرتوت، بیماران یا مردان ضعیف الجثه - نیز سرایت می‌کند. اما شریعت، در باب جهاد، برای این دسته از مردان، حکم مستقلاً به نام «عدم وجوب جهاد مردان ضعیف» جعل نکرده است؛ بلکه ملاک، «قدرت برقیام به تکلیف» است. به عبارت دیگر، ضعف جسمانی - چه در مرد و چه در زن - یک قید عارضی است، نه قید ماهوی. فقهای در باب جهاد تصریح کرده‌اند که توانایی بدنی، شرط تکلیف است؛ هر جا که این توانایی وجود نداشته باشد، تکلیف ساقط است؛ بدون آنکه تفاوتی میان زن و مرد باشد. پس اگر زنی، از لحاظ بدنی و روحی، توانایی حضور در دفاع را داشته باشد، عذر نوعی، نمی‌تواند مانع از شمول اطلاق ادله دفاع بر او گردد.

از زاویه‌ای دیگر، حتی اگر روایات، جهاد ابتدایی را از دوش زنان برداشته باشند، نمی‌توان این رفع تکلیف را به حوزه جهاد دفاعی - که به حفظ بیضه اسلام مربوط است - تعمیم داد. تفکیک میان جهاد ابتدایی و دفاعی (خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۸۶؛ نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، ص ۸) دلالت دارد که در وضعیت هجوم دشمن، «اصل بر عموم تکلیف» است و تخصیص آن، نیازمند دلیل قوی و

معتبر است؛ دلیلی که در این باب، یافت نمی‌شود.

۳-۳- استناد به سیره: از نسیبه بنت کعب تا دفاع مقدس

ج) سیره عملی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام یکی از قوی‌ترین قرائن در فهم حدود و ثغور احکام است. حضور زنانی همچون نسیبه بنت کعب (ام عماره) در نبرد احد، که به شکلی فعال در میدان جنگ حضور یافته و از جان پیامبر ﷺ دفاع کرده‌اند، در منابع تاریخی معتبر ثبت شده است (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۵). در این روایات، نه تنها نهی و منع، بلکه نوعی تحسین نسبت به اقدام او مشاهده می‌شود. اگر جهاد دفاعی، ذاتاً مردانه و ممنوع برای زنان بود، حضور نسیبه و امثال او، باید با تذکر و نهی همراه می‌شد؛ حال آنکه سیره نبوی، خلاف آن را نشان می‌دهد. فقهای اصولی، در موارد متعدد، سیره تقریری معصوم را به عنوان کاشف از مشرویت فعل، مورد استناد قرار داده‌اند؛ بنابراین، مشارکت زنان در دفاع، از منظر سیره، مشرویت تامه دارد.

۳-۴- اطلاعات قرآنی و اجتهاد معاصر

وقتی دفاع از بیضه اسلام مطرح است، اطلاق ادله قرآنی مانند: «و جاهدوا فی سبیل الله» (بقره: ۱۹۰) یا آیات امر به قتال در مقام دفاع، به روشنی، خطاب خود را به همه مؤمنان متوجه می‌کنند و دلیل روشنی بر انحصار آن در مردان وجود ندارد. در عرف خطاب‌های قرآنی، استعمال صیغه مذکر، مانع از شمول نسبت به زنان نیست، مگر آنکه قرینه‌ای بر تخصیص وجود داشته باشد. در فقه معاصر، امام خمینی رحمته‌الله در استفتائات خود بر لزوم دفاع به هروسیله ممکن برای همه تأکید

کرده‌اند (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۳). این نوع فتوای، مبتنی بر فهمی کلان از جهاد دفاعی به عنوان تکلیف همگانی است. نتیجه این تحلیل آن است که:

۱. جهاد دفاعی، ماهیتی فراجنسیتی دارد؛
۲. عدم وجوب جهاد ابتدایی بر زنان، به معنای ممنوعیت حضور آنان در دفاع نیست؛
۳. مشارکت زنان در دفاع - اعم از پشتیبانی، اطلاعاتی، پزشکی، رسانه‌ای و در صورت ضرورت، رزمی - با مبانی فقهی و سیره معصومین علیهم‌السلام کاملاً سازگار است.

در نتیجه، «تحلیل فقهی مشارکت زنان در عرصه‌های ایثار» نشان می‌دهد که نگاه سنتی حصر جهاد در مردان، بیش از آنکه ریشه در نصوص قطعی داشته باشد، متأثر از ساختارهای اجتماعی و عرفی اعصار گذشته است؛ در حالی که با تکیه بر مبانی و ادله، می‌توان به قرائتی نظام‌مند و فراگیر از تکلیف دفاعی دست یافت که زنان را به عنوان فاعلان مکلف و مؤثر، در متن جهاد دفاعی قرار می‌دهد.

۴. ایثار در فضای جنگ‌های نوین و عرصه ادراکی

شهادت، والاترین مرتبه ایثار است؛ یعنی آگاهانه، حیات دنیوی را در مسیر تحقق اهداف الهی، قربانی کردن. شهید در اصطلاح فقهی، کسی است که «فی سبیل الله» و برای اعتلای کلمه‌الله جان باخته است (مفید، ۱۴۱۰، ص ۵۹). اما در جهان معاصر، که ماهیت جنگ‌ها دگرگون شده است، مصادیق ایثار و شهادت نیز توسعه مفهومی یافته‌اند.

۱-۴- دفاع همه‌جانبه و تداخل خطوط جبهه

با توجه به اینکه در «دفاع همه‌جانبه»، مرز میان خط مقدم و پشتیبانی کمرنگ شده است، دیگر نمی‌توان میدان جنگ را صرفاً به سنگرها‌های فیزیکی یا مرزهای جغرافیایی محدود کرد. جنگ‌های نوین، به‌ویژه در قالب «جنگ نرم» و «جنگ ادراکی»، به درون خانه‌ها، مدارس، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نفوذ کرده‌اند. در این میدان جدید، «تولید قدرت ادراکی» - یعنی توانایی شکل‌دهی و صیانت از باورها، ارزش‌ها و هویت - مصداق کامل جهاد و ایثار است.

زنان در این عرصه، نقش استراتژیکی ایفا می‌کنند. آنان به عنوان ستون‌های استوار جامعه، در مقابله با تهاجم فرهنگی و ایدئولوژیک دشمن، در خط مقدم مقاومت ادراکی قرار دارند. قدرت بازدارنده یک نظام، تنها به تعداد موشک‌ها نیست، بلکه به استحکام پیوندهای اجتماعی و ایمانی است که زنان پرچمداران آن هستند. از نظر فقه نظام، زنانی که در شرایط تهاجم دشمن، توانمندی خود را در خدمت دفاع هویتی قرار می‌دهند، مشمول تمام احکام مترتب بر رزمندگان در جهاد دفاعی هستند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴).

۲-۴- شهادت در عصر جنگ‌های غیرکلاسیک

امروزه، ایثار زن در عرصه‌های علمی، فرهنگی و تبلیغی، اگر برای دفاع از کیان دین باشد، هم‌سنگ حضور در میدان رزم است. تبیین فقهی این موضوع ما را به این نتیجه می‌رساند که شهادت زن، نه یک اتفاق حاشیه‌ای، بلکه در متن نظام دفاعی کشور تعریف می‌شود. وقتی زن با سلاح دانش، بیان و استقامت در برابر تهاجم فرهنگی می‌ایستد، در حال جهاد اکبر و اصغراست. این تحلیل



استراتژیک، به جایگاه زن در فقه امنیت محور، ارزش بی بدیلی می بخشد. علاوه براین، حضور زنان در عرصه های ایثارگری، تأثیری شگرف بر بازتولید گفتمان مقاومت در نسل های آتی دارد. تربیتی که مادران در فضای دفاع مقدس و ایثار ارائه می دهند، خود یک کنش دفاعی استراتژیک است که در فقه سیاسی کمتر به آن پرداخته شده است. وقتی یک زن به عنوان همسریا مادر شهید، سختی های فقدان را در راه اعتلای دین تحمل می کند، در واقع در حال «مربطه» در جبهه فرهنگی است. مربوطه که در متون فقهی به معنای نگهبانی از مرزهای اسلام است، در جنگ های نوین از مرزهای جغرافیایی به مرزهای عقیدتی تغییر مکان داده است و زنان در این خط مقدم، مدافعان اصلی هستند.

۵. ضرورت نظریه پردازی در فقه امنیت محور با مشارکت زنان

مشارکت زنان در عرصه های ایثار، نیازمند یک پشتوانه نظری منسجم در «فقه امنیت» است. ما در این مقاله استدلال می کنیم که باید میان «نقش های جنسیتی» و «وظایف دفاعی» تفکیک قائل شد. در شرایط اضطرار و تهاجم، وظایف دفاعی، عمومی و فراگیر هستند. فقه امامیه، ظرفیت بسیار بالایی برای بازتولید این مفاهیم دارد. قاعده «نفی سبیل» که از قواعد کلان فقهی است، تأکید می کند که هیچ راه تسلطی برای کفار بر مسلمین نباید باقی بماند. حال اگر تحقق این قاعده نیازمند حضور تمامی آحاد ملت، از جمله زنان باشد، چگونه می توان قائل به تخصیص شد؟

براین اساس، ایثار زن در عرصه های شهادت، نه تنها یک فضیلت اخلاقی، بلکه یک «وظیفه ساختاری» در نظام دفاعی است. برای رسیدن به این مقصود،

باید ادبیات فقهی را از نگاهی منفعل به نگاهی فعال و کنشگرانه تغییر دهیم. ایثارگر، صرفاً کسی نیست که جان داده، بلکه کسی است که برای حفظ هویت دینی، تمام سرمایه‌های مادی و معنوی خود را در معرض قرار داده است. در این تعریف، زنان با نقش‌آفرینی در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی، در حال انجام جهادی هستند که در ادبیات مدرن، «دفاع غیرعامل» نامیده می‌شود. دفاع غیرعامل، کلیدی‌ترین رکن مقاومت در برابر حملات دشمن است.

۱-۵- از فقه سیاسی به فقه نظام

در فقه سیاسی کلاسیک، تمرکز اصلی بر قدرت سیاسی و ساختارهای حکومتی بوده است. اما در فقه نظام، تمرکز به «سازمان‌دهی جامعه در برابر تهدیدات» تغییر می‌کند. در این چارچوب، امنیت ملی، یک امر جمعی است که نیازمند مشارکت همه اقشار جامعه است. زنان با نقش‌آفرینی در حوزه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی، در حال تقویت «بنیه دفاعی غیرعامل» هستند. این بنیه، از طریق تولید دانش، تقویت ایمان جمعی و مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی، ایجاد می‌شود.

۲-۵- تئوری‌پردازی و تطبیق با نیازهای مدرن

تطبیق فقه با مقتضیات عصر جدید، بدون تئوری‌پردازی نظام‌مند در حوزه «فقه امنیت» امکان‌پذیر نیست. این شاخه از دانش فقهی باید بتواند به پرسش‌های اساسی و عینی پاسخ دهد؛ از جمله اینکه آیا می‌توان وظایف دفاعی را فارغ از نگاه جنسیتی تعریف کرد؟ مصادیق نوین ایثار و شهادت در جنگ‌های



امروزي کدامند؟ و نهایتاً چگونه مي توان مشارکت زنان در عرصه دفاع را در نظام حقوقي و ساختارهاي نظامي کشور تثبیت نمود؟ پاسخ به این پرسش ها، از ظرفیت يك فرد يا يك نهاد خارج نیست و نیازمند تعامل مستمر میان فقیهان، کارشناسان علوم امنیتی و سیاستگذاران است. این همکاری چندجانبه مي تواند به تدوین پروتکل هاي روشن و قابل اجرا براي حضور تخصصي زنان در دکترین امنیتی کشور بینجامد. چنین اقدامي تنها به رفع شبهات نظري محدود نمي شود، بلکه گامي ضروري در جهت افزایش قدرت بازدارندگي کشور در برابر تهدیدات نوظهور و پیچیده به شمار مي آید.

باید پذیرفت که دفاع در نظام فقهی اسلام، يك تکلیف الهی است و در این تکلیف، معیار اصلي، کرامت انساني و توانمندی فردي است، نه قیدهايي که ریشه در عرف هاي گذشته يا برداشت هاي تقلیدی از نقش هاي جنسیتی دارد. بازخواني اصول فقهی نشان مي دهد که مي توان میان میراث گرانسنگ فقه کهنه و نیازهاي روزافزون امنیتی امروز پیوندي استوار برقرار کرد. بر این اساس، نقش فعال زنان در دفاع، نه فقط امري مشروع، بلکه عاملي تعیین کننده و تضمین کننده استقلال و هویت امت اسلامي خواهد بود.

نتیجه گیری

بازخواني فقهی مشارکت زنان در جهاد دفاعي نشان مي دهد که اطلاق ادله قرآني و سیره عملي معصومین، دلیلي بر تخصیص جنسیتی دفاع در شرایط اضطرار ارائه نمي دهد. روایات موسوم به تحدید جهاد زنان، از حیث سندی و دلالتی، توان تقیید عمومات دفاع همگانی را ندارند و در نتیجه، جهاد دفاعي به

عنوان تکلیفی عینی و اضطراری، بر هر مکلفی که توانایی عملی دارد، واجب می‌شود. با تغییر ماهیت جنگ‌ها به سمت تهدیدات ترکیبی و ادراکی، عرصه دفاع از مرزهای فیزیکی به لایه‌های فرهنگی، رسانه‌ای، علمی و هویتی گسترش یافته است. در این فضای جدید، زنان به دلیل جایگاه راهبردی خود در خانواده و تولید گفتمان اجتماعی، عملاً در خط مقدم دفاع غیرعامل و مقاومت ادراکی قرار دارند و نادیده گرفتن این ظرفیت، به معنای پذیرش ضعف ساختاری در نظام امنیتی است. از منظر فقه نظام، مشارکت فعال و هدفمند زنان در دفاع، دیگر یک فضیلت اخلاقی اختیاری نیست، بلکه جزئی از وظایف همگانی صیانت از بیضه اسلام و تحقق قاعده نفی سبیل به شمار می‌آید. بنابراین، نظام حقوقی و تقنینی کشور باید با اتکا به این مبانی، اقدامات زیر را پیگیری کند: یکم: تدوین پروتکل‌های قانونی برای مشارکت تخصصی زنان در حوزه‌های پزشکی، امداد، اطلاعات، سایبر، رسانه و دفاع غیرعامل؛ دوم: گنجاندن نقش زنان به عنوان یک مولفه دائمی در اسناد بالادست دفاعی و امنیتی؛ سوم: تصویب منشور جامع حقوقی برای زنان رزمنده، جانباز و شهیده با لحاظ احکام دیه، مستمری و حمایت‌های اجتماعی؛ چهارم: بازطراحی محتوای آموزشی براساس الگوی زن مجاهد و مقاوم، بدون تضعیف جایگاه مادری و همسری؛ پنجم: تأسیس مراکز تخصصی فقه امنیت و فقه زنان در دفاع برای استمرار اجتهاد نظام‌مند. در مجموع، جهاد دفاعی تکلیفی فراجنسیتی است و مشارکت زنان در آن، نه یک استثنا، بلکه رکنی از قدرت ملی در مواجهه با جنگ‌های نوین به شمار می‌آید و ارتقای این مشارکت از سطح تجربه تاریخی به سطح ساختار حقوقی، ضرورتی انکارناپذیر برای کارآمدی نظام دفاعی است.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵). اسد الغابة فی معرفة الصحابة. دار الفکر.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعه. مؤسسه آل البيت.
۳. خامنه ای، سید علی (۱۳۸۶). أجوبة الاستفتاءات. انتشارات الهدی.
۴. خمینی، روح الله (۱۳۹۰). تحریر الوسیلة. دارالکتب العلمیه.
۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه. انتشارات دانشگاه تهران.
۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. انتشارات قدس.
۷. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۳۸۸). جامع المقاصد. مؤسسه آل البيت.
۸. مامقانی، عبدالله (۱۳۴۹). تنقیح المقال فی علم الرجال. چاپ سنگی.
۹. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰). المقنعه. مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۰. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۵). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. دارالکتب الاسلامیه.